

روش دعوت انبیاء

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و الصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.
وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ١)

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ٧٠-٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز: دعوت انبیاء وسیله نجات بشریت از میکروبیها و آلودگیهای شرک و بت پرستی و وپاکسازی جامعه از آلودگی و عفونت‌های فساد و انحلال اخلاقی و وهرج و مرج و بی نظمی و... بود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَجِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ نَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾﴾ (البقرة: ٢١٣)

(مردم یک امت بودند پس الله پیامبران را مژده دهنده و بیم دهنده فرستاد و با ایشان کتابی بحق نازل فرمود تا اینکه آن کتاب بین مردم در آنچه اختلاف دارند حکم کند و اختلاف در آن کتاب نکردند مگر آنان که کتاب (الله) به آنان داده شده بود بعد از آنکه دلیلهای روشن بر ایشان آمد و اختلاف آنها در کتاب نتیجه سرکشی و تجاوز و ستم بین خودشان بود پس الله مؤمنین را بسوی حقی که در آن اختلاف داشتند هدایت و رهنمون کرد به اذن و اراده‌ی خود و الله هر کس را که (خود) بخواهد به راه راست و درست هدایت می‌کند.)

این آیه کریمه اشاره به این واقعیت دارد که انسانها در ابتدا بر هدایت و دین حق بوده‌اند و بعدها اختلاف و چند دستگی در میان آنها بروز کرد و با هم به نزاع و کشمکش برخاستند و در روی زمین فساد به راه انداختند و واز راه درست و مستقیم منحرف شدند و در نتیجه الله از میان آنها پیغمبران را - به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده - مبعوث نمود.

از حضرت عبدالله ابن عباس روایت شده که «فاصله‌ی زمانی میان حضرت آدم و نوح ده قرن بود و در این فاصله انسانها بر حق بودند» تا اینکه اختلاف و انحراف میان آنها بروز کرد الله حضرت نوح و سایر انبیای بعد از او و را به منظور باز گرداندن بشریت به جاده حق و صواب مبعوث نمود.

الله باری تعالی ﷻ که اصدق القائلین است هدف از بعثت پیغمبران گرامی را بیان کرده می فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (النساء: ۱۶۵)

(پیغمبران نوید دهندگان و ترسانندگانند تا برای مردم بر الله حجت و بهانه‌ای بعد از (ارسال) پیغمبران نباشد والله است عزتمند حکیم.

چنانکه الله هر رسولی را به عنوان نجات دهنده قومش از تاریکی نادانی و گمراهی قرار داده و می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (ابراهیم: ۵)

(و همانا فرستادیم و مبعوث کردیم موسی را با آیه‌های خود و که بیرون آور قومت را از تاریکی (شرک و گمراهی) بسوی نور (هدایت و توحید) و یادآوریشان کن به روزهای الله (نعمتهای الله یا وقایع و رخدادهای زمانه) همانا که در این است نشانه‌هایی برای هر شکیبای سپاسگزار.) در اینجا مهمترین شاخص دعوت انبیا و وخصایص و ویژگیهای آنرا خدمت شما عزیزان بیان می کنیم باشد که چراغی بر فراز راه دعوتهای انبیا باشد.

دعوت انبیاء ربانی است و یعنی به وحی و تکلیف الله متکی می باشد. انبیاء بر رسالت خویش مزدی نمی طلبند بلکه مزد و اجر خود را از الله می خواهند. اخلاص دین برای الله و دعوت به پرستش او یکی دیگر از ویژگیهای دعوت انبیاء است. دعوت آنان در اوج سادگی و بساطت بوده و هیچ تکلف و تعقیدی در آن وجود ندارد. هدف و غایت در دعوت انبیای کرام واضح و روشن است.

زهد در دنیا و تفضیل آخرت بر دنیا یکی دیگر از ویژگیهای دعوت انبیاء است. تأکید بر عقیده توحیدی و تشدید در امر ایمان به غیب یکی دیگر از امتیازات دعوت انبیاء است. این است مهمترین ویژگی های دعوت انبیای کرام که اینک هر یک از این ویژگیها را به اختصار توضیح می دهیم و در این راستا از الله متعال استعانت می جویم.

امتیاز اول: ربانی بودن دعوت انبیاء:

مقصود از این جمله این است که منشاء و مصدر این دعوت وحی الله عزوجل می باشد و بنابراین و این دعوت برخاسته و نشأت گرفته از وجود پیغمبران نیست و نتیجه‌ی شرایط و عوامل اجتماعی زمان آنان نیز و از قبیل وجود ظلم طغیان و جور و استبداد و ضلالت و انحراف و... نیست کما اینکه تراوش افکار عمیق پیامبران و یا تألم آنان بر وضعیت اسفبار حاکم بر جامعه نیز نمی باشد. هیچکدام از این عوامل مصدر و منشأ دعوت آنان به حساب نمی آیند بلکه یگانه عامل و باعث آن وحی و تکلیف الهی است و بس و تمامی آنچه که آنها آورده‌اند ریشه در وحی دارد به همین خاطر است که همگی خطاب به اقوام خود گفته اند: ﴿إِن آتَيْعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ﴾ (الأنعام: ۵۰)

«پیروی و تبعیت نمی کنم جز از آنچه به سوی من وحی شده است» بنابراین آنها سهمی (جز تبلیغ) در وحی الله ندارند. پیامبران به هیچ عنوان تسلیم عوامل نفسی

ودرونی و یا حوادث موقت و خارجی و نمی شوند و رسالت خویش را با اوضاع و احوال و خواست جوامع تطبیق نمی دهند. الله متعال در رابطه با رسول بزرگوار حضرت محمد ع می فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۗ﴾ (النجم: ۳ - ۴) «و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید * آن (چیزی نیست) جز وحی و پیامی که وحی و القا می گردد».

پس پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به هیچ عنوان نمی تواند کمترین تبدیل و تحریف و تعدیلی در رسالت و احکام الله بوجود آورد. با دقت در سیره انبیاء و فرق نبوت و پادشاهی به وضوح روشن می گردد چون انبیاء حاضر به معامله با کوچکترین چیز از امور دعوت خود نمی باشند هر چند بهایی که در مقابل آن می پردازند بس فراوان باشد و اما دعوت رهبران و مصلحین سیاسی و اجتماعی هرگز چنین نیست... زمانی که مشرکین قریش سخاوتمندانه به پیغمبر پیشنهاد دادند که ملک و ثروت فراوانی به او بدهند یا زیباترین و شریفترین زنان را به عقد ازدواج و نکاح او در آورند و پادشاهی و رهبری شبه جزیره را به او واگذار کنند اما در مقابل از دعوت دست بردارد و از ذم خدایان و تمسخر بتان خودداری کند و جواب و موضع رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل پیشنهاد آنان چه بود؟ این سخن جاودانه و مشهوری را بر زبان راند که تا ابد در گذر زمان تکرار خواهد شد. «والله لو وضعوا الشمس في يميني و القمر في يساري و علي أن أترك هذا الأمر حتى يظهره الله أو أهلك فيه ما تركته». «قسم به الله اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند در مقابل اینکه از این دعوت صرف نظر کنم آنرا تا زمانی که الله آن را ظاهر می نماید و عزت می بخشد یا در راه آن شهید می شوم آن را رها نخواهم کرد.» کتب سیرت.

خطبه دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
أَمَّا بَعْدُ:

برادران و خواهران گرامی! در خطبه قبل یکی از ویژگی های دعوت پیامبران را ذکر نمودیم و در این خطبه به ادامه آن می پردازیم و دومین ویژگی دیگر در دعوت پیغمبران این است که: آنها مزد و اجری در مقابل دعوت از هیچ احدی مطالبه نمی کنند: ﴿يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (هود: ۵۱) «ای قوم من! در برابر آن (دعوت به توحید) و از شما پاداشی درخواست نمی کنم من پاداش را تنها از کسی می طلبم که مرا آفریده است. آیا نمی فهمید؟»

و این خاتم پیغمبران محمد پسر عبدالله صلی الله علیه وسلم است که آشکارا بانگ برمی آورد و بی پرده حقیقت را به مردم اعلام می کند و می گوید: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (الفرقان: ۵۷)

«بگو: من در برابر ابلاغ این آیین هیچگونه پاداشی از شما مطالبه نمی کنم. تنها پاداش من این است که کسی (اگر خواست) راه به سوی پروردگارش در پیش گیرد.»

سومین امتیاز فراخوانی انبیاء اخلاص دین برای الله و تنها او را به عبادت اختصاص دادن است... و این هدف بزرگ و بلندی است که تمامی انبیاء در هر عصر و زمان و محیط و مکان بدان دعوت کرده‌اند و هدف آنها جز توجیه و راهنمایی و آشنایی مخلوق ضعیف و ناتوان با خالق توانا و قادر چیزی نبوده است. آنها به مصداق آیه کریمه قرآن خواسته‌اند بندگان را از عبادت بندگان به سوی عبادت معبود و خالقشان راهنما و هادی باشند. ﴿ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ٥ ﴾ (البینة: ۵) «در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه الله را پرستند و تنها شریعت او را آئین بدانند و نماز را چنانکه باید بخوانند و وزکات را بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.»

الله متعال تمامی انبیاء را مأمور تبلیغ دعوت توحید نموده است و دعوتی مبارک و دعوت به یکتاپرستی و اخلاص در عبادت و دعوت به نیت و عمل و در این مورد الله متعال می‌فرماید: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ٢٥ ﴾ (الانبیاء: ۲۵)
«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم و مگر اینکه به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست و پس فقط مرا پرستش کنید.»

ویژگی چهارم دعوت انبیاء بساطت و سادگی آن و نبودن تعقید و تکلف در آن است. این امتیاز در دعوت تمامی انبیاء به وضوح مشاهده می‌شود و آنها همگام با فطرت حرکت می‌کنند و به اندازه‌ی عقلانیت مردم و آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند و در دعوت خود به هیچ گونه تکلف باور ندارند چنانچه بعضی از رهبران سیاسی و مصلحین عمل می‌نمایند و آنها امور را بر مردم سخت و پیچیده نمی‌گیرند طوری با مردم سخن نمی‌گویند که سخن آنها را نفهمند... ﴿ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُمْ بِلَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ١٢٥ ﴾ (النحل: ۱۲۵)

«مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن؛ چرا که بیگمان پروردگارت آگاه تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا اینکه رهنمود و راهیاب می‌گردند.»

برای پیروزی و موفقیت دعوت لازم است راه انبیاء را در پیش گرفت و دور از اسالیب و روشهای تصنعی عمل کرد و در دعوت و گفتگو با مردم راه تکلف را در پیش نگرفت و با منطق و برهان عقلی که کوچک و بزرگ و عالم و جاهل آنرا می‌فهمند و درک می‌کنند با ایشان صحبت کرد.

پنجمین امتیاز دعوت پیغمبران وضوح و روشنی هدف و غایتی است که مردم را بسوی آن فرا می‌خوانند آنها مردم را به هدفی واضح و فکری روشن و دور از اغماض دعوت می‌کنند در فرموده‌ی الله خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دقت کنید: ﴿ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٠٨ ﴾ (یوسف: ۱۰۸) «بگو: این است راه من مردم را بر بصیرت و روشنایی به سوی الله فرا می‌خوانم و من و پیروانم و پاکی برای الله است»

ومن از شریک قرار دهند گان نیستم.»

و این چنین می بینیم که پیغمبران بزرگوار مردم را تنها بسوی رسالت الهی دعوت کرده اند دارای هدفی واحد و مقصدی ارزنده بوده و و در دعوت خود راه حیل را در پیش نگرفته اند که در خفا هدفی دیگری تعقیب کرده باشند و چنانکه این عمل خصلت بعضی از رهبران است که از حقیقت نیات خود آشکارا پرده بر نمی دارند.

ششمین امتیاز دعوت انبیاء زهد در دنیا و ایثار آخرت بر زندگی دنیایی است. این امتیاز ملازم دعوت انبیاء می باشد و به هیچ عنوان از آن جدا نمی شود زیرا هدف آنان طلب لذت و بهره مندی از لذایذ دنیا و زخرفات زندگی نمی باشد.

امتیاز هفتم دعوت پیغمبران و تأکید بر عقیده و باور توحیدی و تأکید بر مسئله ایمان به غیب بود. این امتیاز به وضوح در دعوت تمامی انبیاء و بدون استثناء دیده میشود و در رابطه با حضرت نوح علیه السلام می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوَّمُوا لِقَوْمِهِمْ أَلَيْسَ لِي بِرَبِّهِمْ غَيْرُكُمْ﴾ (الأعراف: ۵۹) «ما نوح را به سوی قوم خود فرستادیم او بدیشان ای قوم من! (تنها) الله یگانه را پرستش کنید و که معبودی جز او برای شما نیست»

و در رابطه با حضرت هود علیه السلام می فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَقَوَّمُوا لِقَوْمِهِمْ أَلَيْسَ لِي بِرَبِّهِمْ غَيْرُكُمْ﴾ (الأعراف: ۶۵) «او به سوی عاد و برادرشان هود را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من و الله را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست.»

و در رابطه با صالح می گوید: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَتَقَوَّمُوا لِقَوْمِهِمْ أَلَيْسَ لِي بِرَبِّهِمْ غَيْرُكُمْ﴾ (الأعراف: ۷۳)

«او به سوی [قوم] ثمود و صالح و برادرشان را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من و الله را پرستید و برای شما معبودی جز او نیست»

قرآن این چنین از تمامی انبیاء با ما سخن می گوید و روشن می نماید که همگی و مردم را به سوی توحید دعوت کرده اند. بدین گونه معرکه و جنگ بین انبیاء و اقوامشان بر سر رسالت حق و دعوت توحیدی شدت و اوج می گرفت تا سرانجام به نابودی مشرکین و غلبه رسولان می انجامید.

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالُونَ ﴿١٧٣﴾﴾ (الصافات: ۱۷۱ - ۱۷۳)

«او به راستی وعده می دادیم که ما درباری آن دسته از بندگان که رسالت یافته اند و از پیش ثابت و محقق گشته است که بی گمان آنان یاری می شوند.»

عباد الله! صلوا وسلموا علی من أمرتم بالصلاة والسلام علیه فی قوله سبحانه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ (الأحزاب: ۵۶) و اللهم فصلِّ وسلم علی عبدك ورسولك محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین و والتابعین لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و أهل بيت نبيك و أصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.
اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.
اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آت نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.
عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.